



آلودگی پلاستیکی اقیانوس‌ها به معیشت و درآمد
جوامع ماهیگیری در سراسر جهان آسیب می‌رساند.
به گزارش اقتصادسمرآمد، برآوردهای پلاستیکی
برای جامعه ماهیگیری معمولاً در زبان‌های مستقیم
مانند پارگی تورها، مسدود شدن پروانه شناورها و
اتلاف زمان برای جدا کردن زباله‌ها از صید استوار
است. این هزینه‌های واقعی و مستند، سال‌هاست
مبنای ارزیابی تأثیرات اقتصادی آلودگی پلاستیکی
بر صنعت شیلات بوده‌اند.

بنابر گزارش ایسنا، نتایج مصاحبه با ماهیگیران نشان داد که هزینه آلودگی پلاستیک افینوس برای یک قایق تقریباً ۳۴۰۰ دلار در سال است که حدود ۱۲ درصد از درآمد سالانه یک قایق و نزدیک به یک چهارم درآمد مالک رامی‌بلعد. برای خانواده‌هایی که از قیل درآمد کمی دارند، از دست دادن این مقدار زیاد به دلیل زیاده‌های شانور، ضربه بزرگی به اقتصاد آنان وارد می‌کند.

طناب‌ها و تورهای رهاشده در دریا به راحتی به دور پروانه شناورها می‌پیچند و آزاد کردن آنها می‌تواند جان ماهیگیران را به خطر بیندازد. در این تحقیق، نزدیک به نیمی از ماهیگیران گفتند که به‌طور متوسط چند بار در سال با گیر کردن پروانه شناور در میان زباله‌ها و تورهای شناور مواجه می‌شوند.

برخی از این حوادث تنها به بریدگی دست‌ها ختم شده است، اما در مواردی نیز پیامدهایی بسیار شدیدتر داشته و به قطع عضو یا حتی کشیده شدن افراد به داخل تیغه‌های پروانه هنگام تلاش برای جدا کردن زباله‌ها انجامیده است. اگرچه چنین حوادثی نادر هستند، اما واقعیت دارند.

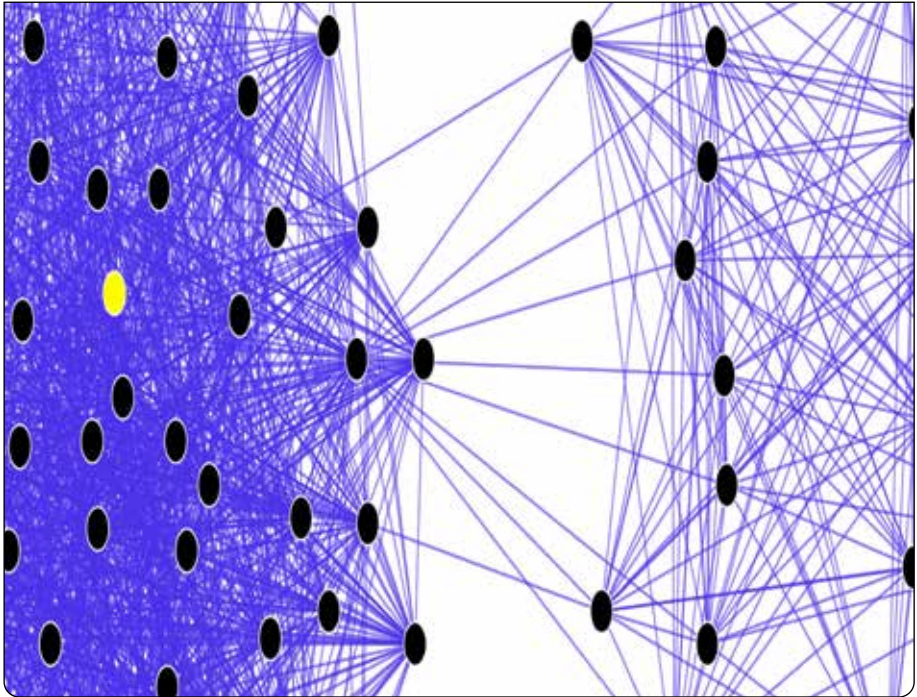
ماهیگیران در گفت‌وگوهای گروهی همچنين از همکارانی یاد کردند که به دليل روشن شدن ناگهانی موتور هنگام آزاد کردن پروانه، جان خود را از دست داده یا دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیر شده‌اند. این حوادث نشان می‌دهد که زباله‌های شناور تنها خسارت اقتصادی به صنعت ماهیگیری وارد نمی‌کنند، بلکه تهدیدی جدی برای سلامت و جان انسان‌ها نیز به شمار می‌روند.

ماهیگیران پیش از این زباله‌های پلاستیکی را که در تورهایشان گرفتار می‌شد، جمع‌آوری می‌کردند که اقدامی ساده و کم‌هزینه بود. به گفته پژو هشرگان، اگر در ازای این کار حتی مبلغ اندکی به آنان پرداخت شود، بیشتر ماهیگیران پلاستیک‌های جمع‌آوری‌شده را به جای بازگرداندن به دریا، به ساحل منتقل خواهند کرد.

بر او ردها نشان می‌دهد، پرداخت هزینه به هر قایق برای بازگرداندن تمام زباله‌های پلاستیکی‌اش، سالانه تنها حدود ۶۰ دلار هزینه دارد، رقمی که در مقایسه با منافع خسرو محیطی آن بسیار ناچیز است. در حال حاضر بسیاری از ماهیگیران زباله‌های پلاستیکی را دوباره به دریا می‌اندازند، زیرا احساس می‌کنند تلاش فردی آنان تازمانه‌ای که دیگران همچنان به آلوده کردن دریا ادامه می‌دهند، تأثیر چندانی نخواهد داشت.

پیش از این تحقیق، هزینه آلودگی پلاستیکی برای خانواده‌های ماهیگیر عمدتاً بر پایه برآوردها و مدل‌های نظری محاسبه می‌شد اما اکنون، بر مبنای نخستین بار، زمانی که بر تجربه و روایت مستقیم مردم ماهیگیران به دست آمده است که نشان می‌دهد، خسارات واقعی بسیار فراتر از هزینه‌های شناخته‌شده‌ای مانند تعمیر تورها و تجهیزات است. این هزینه‌ها بیش از همه بر دوش افراد سبزی می‌کند که کمترین توان مالی برای تحمل آن را دارند. بر اساس نتایج یکی از تحقیقات، ماهیگیران خرد سهم قابل توجهی از صید جهانی را می‌کشند و غذای میلیاردها نفر از فراهم می‌نمایند. بنابراین، کاهش تدریجی درآمد این گروه تنها یک مشکل محلی نیست، بلکه می‌تواند پیامدهایی گسترده برای محیط‌های دریایی در سراسر جهان داشته باشد. بر اساس گزارش اِرت، پژوهشگران این مقایله با این بحران، وهکاری عملی پیشنهاد کرده‌اند که شامل شناسایی رودترین جوامع ماهیگیری و تطبیق آنان با آلوده‌ترین روخانه‌ها، سپس اختصاص منابع مالی و برنامه‌های بازسازی به این مناطق در اولویت نخست است. به باور آنان، اگر این حمایت‌ها به‌درستی هدف‌گذاری شود، می‌تواند فشار اقتصادی و زیست محیطی را در مناطقی که بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند، به‌طور چشمگیری کاهش دهد.

نتایج این تحقیق در مجله Communications
Earth & Environment منتشر شده است.



گروه راهبردی - مرتضی فخری - جهان پس از جنگ سرد، جهانی بود که در آن تصویر سنتی از حاکمیت و سلفاطالیی، به تدریج رنگ و باحت و در هاله ای از نهادهای فراملی، جریسان های فرامرز و بازگیران غیردولتی رفته رفته منهدم شد. در این فضا جلدید قدرت سخت نظامی و انعقاد پیمان های رسمی دولتی، تنها بخشی از معادلات جهانی را تشکیل می دهند؛ بخش اعظم این معادله، امروزه به توانایی تعریف «هنجار» و «مسئله» در مجامع غیررسمی و شبکه های نخبگانی بستگی دارد. مجمع جهانی اقتصاد در داوس، نه فقط یک گروه دهمایی سالانه برای تجلیل سرمایه داران فراملی، که یکی از پیچیده ترین و تأثیر گذارترین لایه های این نظام نوین حکمرانی جهانی محسوب می شود. بررسی چگونگی اثرگذاری داوس بر تصمیم سازی جهانی، بدون درک این پیش فرض که جهان دیگر عرصه انحصار دولت ها برای تصمیم گیری نیست، ناقص می ماند. آنچه در سال های اخیر، به ویژه از میانه دهه ۲۰۱۰ به این سو، در داوس به نمایش درآمده، بازتابی از دگرگونی عمیق در نسبت «بازگیر دولتی» و «بازگیر غیردولتی» است. دگرگونی ای که برای کشورهایی چون ایران، که در زمره بلوک در حال توسعه قرار دارند، سرنوشت ساز است. غفلت از سازوکار اثرگذاری این مجمع، به معنای نادیده گرفتن یکی از حلقه های کلیدی زنجیره قدرت هنجاری در قرن بیست و یکم است.

داووس را باید یک «کارآفرین جهانی» تمام عیار دانست. نهادهای که با بهره‌گیری از سرمایه‌های نامحدود نخبگانی سیاسی و اقتصادی قادر به تغییر جاذبه‌ای در دستور کار جهانی قرار می‌دهد و آنها را به عنوان «مسائل فنی» و «ضرورت‌های مدیریتی» بازتعریف می‌کند. مجموع به عنوان یک بازیگر غیردولتی، محدودهای دیپلماتی رسمی را ندارد و از سوی دیگر، از شبکه‌ای از تأثیرگذارترین چهره‌های جهان بهره می‌برد. این ترکیب منحصر به فرد، به داووس امکان می‌دهد که بدون تکیه بر زور نظامی یا اجبار حقوقی، گفت‌وگو، مسأله‌ها را حل کند و استانداردهایی همچون «قابلیت پذیرایی جهانی» یا «حکمرانی جهانی» را به عنوان شاخص‌هایی برای ارزیابی کارآمدی دولت‌ها و تروپیک کند. در این چارچوب، نقش دولت‌ها که این نهاد حاکمیتی صرف، به «بناهای مدیریتی» تقلیل می‌یابد و وظیفه اصلی‌اش فراهم آوردن شرایط جذب سرمایه و بهره‌وری اقتصاد بر اساس منافع تئوریکالی است. آنچه در این میان

در این میان، تأمل در باب داووس، ما را به این پرسش بنیادین رهنمون می‌کند که آیا جهان به سبب چنددستگی نهادی و هستی‌های جداگانه‌ی خود شمول‌پذیر در حرکت است یا اینکه داووس با تغییر پوست، به عنوان یکی از کانون‌های حکمرانی جهانی، به حیات خود در قالبی جدید ادامه خواهد داد؟ پاسخ این پرسش، سرخوشد بسیاری از کشورها در تاکنون او رقم خواهد زد. آنچه از روندهای اخیر به این، حاکم از آن است که داووس، به مثابه سکوی اصلی روایت پردازی جهان گرد، در حال دست دادن انحصار را بر تعریف مسئله‌ها و گفتمان‌ها، در مقابل، ما شاهد ظهور انجمن‌های اقتصادی منطقه‌ای، نهادهای مالی نوین توسعه (همچون بانک سرمایه گذاری زیرساخت آسیا) و شبکه‌های نخبگانی مستقل از غرب به معنی که هر کدام به نوعی، در برای نتایجی متناسب با منافع دولت‌های عضو خود هستند. برای ایران، این به معنای عبور از سکوی روبریکد مغتالنه در قبال نهادهای همچون داووس

و حرکت به سوی «اقتصاد شبکه‌ای» است. ایران با سرمایه‌های کلان، نیروی نتخبگان علمی و اقتصاد خود در هر صحنه این الملی و تقویت ارتباطات حامی با کشورهای همسود در قالب اتحادیه‌های اقتصادی جدید مانند اتحادیه اوراسیا و بریکس، می‌تواند به مزه، هنجارهای بدلی خود را در این محافل نتظهور نهاده‌ن کند. از فشارهای تجاری نهادهای گران‌ان نشی ندارد، مصون بماند. البته این راهبره، در معای نادیده‌ان‌گرفته‌ن ظرفیت‌های پیشرفته علمی موجود در اووس نیست، بلکه رویکردی گزینشی و پشی‌مانی است که در آن، با سبتهای آموزشی، پژوهشی و شبکه‌سازی این مجمع برای انتقال دانش روز و جذب سرمایه‌های دانش‌بنیان استفاده شود، اما در عین حال، نسبت به پروژه تجاری آن‌ها هم‌شدن‌ای در دگرگون‌سازی ساختار دولت و اقتصاد ایران، و مراهای هوشمندانه‌ن ترسیم کرد.

تحلیل اثر گذاری داووس بر تصمیم سازی جهانی، بدون توجه به «پروژه داووس کارآمد بنگاهی» که این مجمع توسط آنست، ناقص است. داووس را باید به عنوان تسهیل کننده نگاه کرد، به طوری غیر مستقیم، گفتمان توسعه اقتصادی جهانی را به سمت برنامه های سوق می دهد که بر شاخص های چون «سهولت کسب و کار» و «رقابت پذیری» تأکید دارند و از اهداف تغییر عدالت با توسعه داووس از فاعلی می آید، حتی با وجود تغییر رویکرد داووس به سوی چالش های مالیاتی و زیست محیطی در سال های اخیر، این پیش فرض بنیادین تئوریک، همچنان در لایه های زیرین گفت و گو ها باقی مانده است. برای کشوری که تحت شدیدترین بحران های اقتصادی قرار دارد، تقلید صرف از نسخه «دولت بنگاهی» داووس، نه تنها راه را، نیست، بلکه می تواند به تضییع نهادهای عمومی و عدالت محور بینجامد. به جای آن، ضرورت دارد که جمهوری اسلامی ایران، مدل توسعه تاب آوری اقتصادی را در دستور کار قرار دهد؛ مدلی که در آن، شاخص های کارآمدی، بر اساس نرخ جذب سرمایه خارجی، که بر اساس توانایی تأمین امنیت غذایی، و ظرفیت و اساماج اجتماعی در شرایط فشار بیرونی سنجیده شود. پژوهش های اخیر نشان داده است که سیاست تحریم غرب علیه ایران، هر چند هزینه زا بوده، اما به دلیل هم افزایی اقتصاد ایران با کشور های همسو و نوگام از راه های مالی جایگزین، در رسیدن به اهداف کل خود تا نام تعیین شده، این واقعیت، نشان از پویایی ذاتی اقتصاد ایران بر این مدل توسعه دارد.

بر اساس نیازهای بومی دارد، نه بر اساس استانداردهای که در مجمع داووس برای اقتصادهای کم‌پیران شمال جهانی تدوین می‌شود. بدین ترتیب، گفت‌وگاه مسلط داووس، نه به معنای ابزاری کامل از دل جهان، که به منزله انتخاب هوشمندانه بسیاری از افراد مؤثر در شبکه‌های چندگانه قدرت جهانی است. با این حال، نباید از این نکته غافل شد که داووس، علیرغم تمام تناقض‌ها و چالش‌های اخیر، همچنان به عنوان یکی از مهم‌ترین سکوهای ترسیم دستورکار جهانی باقی مانده است. تعیین موضوعاتی چون «اقتصاد سبز»، «گذار انرژی»، «انقلاب هوش مصنوعی» و «تاب آوری زیست‌های تأمین» در این مجمع، به تدریج به ابواب آوری جدیدی گذاری کشورهای بزرگ تبدیل می‌شود. این بدان معناست که حتی با اقول نسبی هژمونی لیبرال، داووس کماکان ابزاری قدرتمند برای شکل‌دهی به «فهرت سیاست‌گذاران» و موضع‌انداختن مدیران قدرتمند شرکت‌های چندملیتی است. بنابراین این، حوضه‌ای از قدرت را در قبال این مجمع، نمی‌تواند به فاعل‌های باقی‌مانده صرف باشد، بلکه نیازمند طراحی یک نقشه راه فاعلی هوشمندانه است که در آن، هم از تهدیدهای هنجاری آن کاسته شود و هم از فرصت‌های فنی و شبکه‌ای آن برای پیشبرد منافع ملی بهره‌برداری گردد. تحقیق این مهم، در گرو بازتعریف نهادهای سیاست‌گذار ایران در عرصه بین‌المللی، ایجاد سازوکارهای برای «ترسیم گفت‌وگاه‌ها» به زبان منافع ایران است و به عبارت دیگر، کارگران ایرانی باید با توجه به منافع ایران، از این سکو برای ترسیم منافع ملی خود استفاده کنند.

«سرآمد» تحلیل می‌دهد؛

«داووس» و معمای

قدرت هنجاری

از نخبه گرایی جهانی تا سیاست توسعه

در جمهوری اسلامی ایران

که چگونه از بسته های مفهومی ارائه شده در داووس، عناصری استخراج کنند که با راهبردهای توسعه درون زا و عدالت محور جمهوری اسلامی همخوانی دارد و آن را با قالب پروژۀ محور مشترک منطقه ای، به ویژه در میان کشورهای همسایه، همسایه و گفت و گو بگذارند. بر مبنای نمونه، تجربه موفق ایران در حوزه فناوری های دانش بنیان و صنایع دفاعی غیرمتمرکز، می تواند به عنوان یک «مدل قابل تقلید» در برابر پروژۀ متمرکز داووسی مبتنی بر صنایع های پر ظرفیت فرا ملی مطرح شود و در جماعه علمی و صنعتی به بهار داووس، به عنوان یک مطالعه موردی، منحصربه فرد ارائه گردد. از آنجا که تأثیر گذاری در عرصه جهانی، دیگر صرفاً در گرو قدرت نظامی یا اقتصادی سر نیست، بلکه به توانایی «طراحی سیاست های جهانی» بستگی دارد، ایران ناگزیر از بازنگری در کلیات سیاست های نهادهای خود در سطح جهانی و منطقه ای، به مجمع داووس، اگر چه این ظرفیت را دارد که با طرح موضوعاتی چون «اقتصاد سبز» و «گذار انرژی»، بسته هایی برای همکاری فنی با جهان فراهم کند، اما به دلیل ماهیت تجربه گرا و وابسته به سرمایه غربی، همواره به عنوان ابزاری برای ایجاد فشار جهانی بر دولت های مستقل عمل کرده است. این فشار، گاه در قالب «اولویت دادن به «حکمرانی خوب» و گاه در پوشش الزامات زیست محیطی و مالی بین المللی، همچون سند تاباوری، مستحضرانه گزارش های مالی، خود را نشان می دهد. بنابراین، راهبردهای کارآمد برای جمهوری اسلامی، اقتصاد و یکدیگر «انتخابی» و «تعاملی نقادانه» در قبال داووس است؛ به گونه ای که از بسته های فنی آن برای انتقال تجارب و جلب سرمایه های دانش بنیان استفاده کند، در حال عین، نسبت به پروژه های سازشی آن برای تغییر ساختار دولت و اقتصاد ایران، هویش را مستقل باری نماید. در این مسیر، نمی توان از نقش بنیادین «نهادهای علمی و پژوهشی داخلی» غافل شد. دانشگاه ها و مراکز مطالعاتی راهبردی ایران، حلقه مفقوده این معادله هستند که می توانند با تولید دانش، به سوی «اقتصاد دانش بنیان» و تقویت «کنش فکری» با جمهوری اسلامی ایران، نقش اساسی را برای سیاست گذاران فراهم آورند. بدون چنین پشتوانه تحلیلی، هر گونه تصمیم گیری در قبال مجمع داووس، با به پذیرش بی چون و چرای نهادهای آن خواهد انجامید یا به اتفاقی زین به ازای که از ظرفیت های بافعل این نهاد جهانی غافل می ماند.

بنابراین، بایسته است که درون خود ایران، شبکه‌ای از پویا از نخبگان سیاسی، اقتصادی و دانشگاهی شکل گیرد که به‌دردرک عمیق از تحولات نهادهای جهانی هم‌رنگ با دواوس، نه تنها به‌ایستای سیاست‌های بیرونی بپردازند، بلکه با تدوین گزاره‌های منتهجاری پویای موضوعی، چون «عدالت ازری»، «انمنیت آبی و آب» و «تاب آوری شهری»، به عنوان کششگرانی فعال در شبکه‌های جهانی و منطقه‌ای ظاهر شوند و بدین سان، زمینه ساز نفوذ هوشمندانه ایران در معماری نو ظهور حکمرانی جهانی، حتی با حفظ فاصله انتقادی از هنجارهای رایج، گنجه دواوس، فراهم آید. این شبکه، نه‌که به‌کند نهاد دولتی متمرکز، که به‌کانه «فرهنگ نخبگانی غیرمتمرکز» خواهد بود که از طریق ارتباطات افقی با شبکه‌های مشابه در کشورهای همسوس، به تدریج، گنتمان خود را در فضای پسادواوسی جهان در حال تغییر، به عنوان یک بدیل جدی و کارآمد برای مدل‌های مسلط حکمرانی اقتصادی، تثبیت می‌کند. تجربه تاریخی ایران در گذار از تحجیم‌های دواوس و اداره اقتصاد به پایه‌ای انکاسه به‌داخلی و همکاری‌های منطقه‌ای، خود بهترین گواه بر این مدعاست که ایران می‌تواند با غ از هنجارهای تجویزی نهادهای چون دواوس، مسیر به‌الگو برای دیگر کشورهای در حال توسعه‌ای تبدیل شود که به جستجوی استقلال نهجاری در سایه یک نظام جهانی، منطلا و جندقطعی هستند.

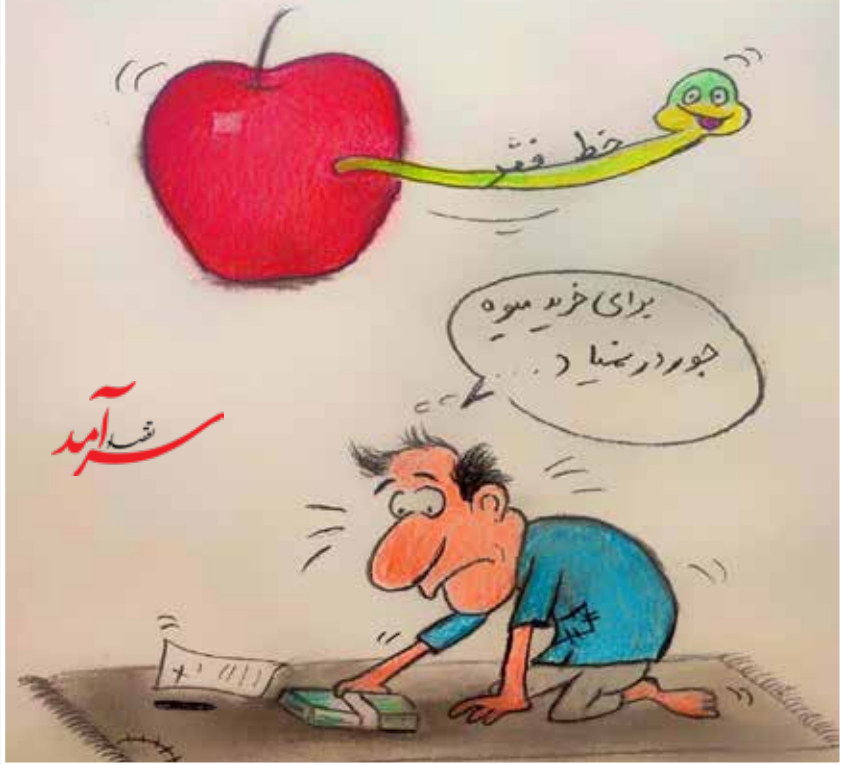
بدون شرح

تین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریبا عزیز ی - اقتصاد سرآمد